

نگاهی به دائرة المعارف های اسلامی ایران*

دکتر عارف نوشاهی**

الف: دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱- ۵

ب: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱- ۹

سالهای ۷۴- ۱۳۶۸/۹۵- ۱۹۸۹ پر بارترین و با برکت ترین سالهای زندگیم بود که در دو نوبت جداگانه در تهران بوم و فرصت به دست آوردم که زبان و ادب فارسی را که در یازده سالگی در پاکستان نزد یک پیشنماز و معلم دبیرستان آموختن آغاز کرده بودم، اینک در قلب فارسی پیش کاملان و بزرگان ادب تلمذ کنم و فراخور حوصله و استعداد خود چیزی اکتساب کنم، در کنار تحصیلات دانشگاهی، فرصتی پیش آمد که در مراجع و مراکز دائرة المعارف نویسی ایران پاگذارم و زیر نظر نخبگان و ورزیدگان فن و در کنار نسل نوجوان پژوهشگر ایران با راه و روش جدید پژوهش آشنا شوم و سیری در بوستان کتاب کنم؛ اما این ماهها و سالها چه قدر زود گذر بود، هنوز در خم اول کوچه بودم که «حیف در چشم زدن صحبت یار آخر شد» و با خاک خود باز گشتم «آن قدح بشکست و ساقی نماند».

نخستین وابستگی من در ایران با بنیاد دائرة المعارف اسلامی (تأسیس ۱۳۶۲/ ۱۹۸۳) بود، هنوز از ورودم در تهران چهار روز بیشتر نگذشته بود که مرحوم دکتر احمد طاهری عراقی معاون علمی بنیاد از من خواست که در بنیاد کار کنم، این در واقع نهایت

*. مقاله حاضر به خواهش سردبیر، استاد محترم دکتر عارف نوشاهی در سفری که تابستان به ایران داشتند به دفتر نشریه سپردند، لازم به ذکر است که مقاله در مجله سفینه ج ۱، ش ۱، ۱۳۸۲ وابسته به گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پنجاب به چاپ رسیده است.

**مدیر گروه ادبیات فارسی، دانشکده دولتی گوردن راولپندی.

احسان و لطف آن بزرگوار بود - روانش شاد باد - من از ۸ آبان ۱۳۶۸ تا ۳۱ فروردین ۱۳۷۳ در بنیاد کار کردم - بنیاد مشغول به تدوین دائرة المعارفی به نام دانشنامه جهان اسلام به زبان فارسی است که بخشی از آن ترجمه و تلفیق دائرة المعارف‌های معتبر جهان است و بخشی دیگر تألیف و نگارش است، در سالهایی که در بنیاد بودم، روی حروف «ب» و «ج» کار می‌شد - مسؤولیت من در امور شبه قاره بود - چندین مدخل جدید که در دیگر دائرة المعارف‌های اسلام و ایران نیامده بود، ولی از لحاظ اسلام و ایران و ادبیات فارسی اهمیتی داشت، در دانشنامه آوردیم. انتشار دانشنامه جزوه جزوه آغاز شد. از انتشار جزوه اول تا جزوه پنجم در بنیاد بودم و مقالات شبه قاره را کنترل می‌کردم. از سال ۱۳۷۵ / ۱۹۹۶ انتشار دانشنامه به جای جزوه، به مجلدات آغاز شد و در ۱۳۷۹ / ۲۰۰۰ با انتشار جلد پنجم کار چاپ مقالات حروف «ب» و «پ» به سر رسیده است. اکنون وقتی با فاصله زمانی و مکانی از بنیاد، به این «خمس» نگاه می‌کنم، در اعماق قلب احساس خرسندی دارم که در پدید آوردن این اثر علمی که در زندگی ملت‌های جهان سوم تکرار نمی‌شود یا کم تکرار می‌شود، من هم سهمی دارم، ولو مانند قطره‌ای در اوقیانوس.

دومین پایگاه مهم دائرة المعارف اسلام نویسی در ایران مرکز دائرة المعارف اسلامی (تأسیس اسفند ۱۳۶۲ / ۱۹۸۴) است که یک مرکز خصوصی است و دائرة المعارف اسلام را به زبان فارسی و عربی منتشر می‌کند، اصول سیاست مرکز بر تألیف است نه بر ترجمه و تلفیق. من از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۴ در بخش ادبیات مرکز برای دائرة المعارف بزرگ اسلامی به زبان فارسی کار کردم. در آنجا نیز کار من در حوزه شبه قاره بود، از تجویز مدخلها گرفته تا سفارش و تألیف و بررسی مقالات - در آن سالها مرکز روی حرف «الف» کار می‌کرد - در ۱۳۷۹ / ۲۰۰۰ جلد نهم دائرة المعارف بزرگ اسلامی منتشر شد و کار به مدخل «البیره» رسیده است. ظاهراً با انتشار یک جلد دیگر کار حرف الف در «عشره کامله» به تکمیل خواهد رسید.^۱

امروز دائرة المعارف‌های اسلام ایرانی با رقابت دائرة المعارف‌های معتبر جهانی مانند دائرة المعارف اسلام (The Encyclopaedia of Islam) چاپ دوم، دائرة المعارف ایرانیکا (Encyclopaedia Iranica) و دائرة المعارف اسلام بنیاد دینی ترکیه (Turkiye Diyanet Vareii Islam Ansiklopedisi) رقابت دارند و در بسیاری از موضوعات مشترک حریف‌های سرسخت یکدیگر هستند. اگر چه هر یکی سازمان در موضوعات

مربوط دیدگاه خاص خود را دارد، اما اعتبار علمی و تحقیقی از آن کسی هست که با پیشخوانه قوی علمی روشمندانه تر کار می‌کند.

در طول مدتی که مجلدات دانشنامه جهان (۵ جلد) و دائرة المعارف بزرگ اسلامی (۹ جلد) منتشر شد و به دستم رسیده است، نه فقط از روی علاقه و انس به خاطر همکاری با آنها، بل که از روی نیازهای تحقیقی بدانها مراجعه داشته‌ام و در برابر معضلات خود پاسخ مثبت گرفته‌ام - گاهی در حین مراجعه با اشکالات هم برخورد می‌کنم و نقطه نظرهای خود را در حاشیه یادداشت کردم که هیچگاه قصد چاپش را نداشتم - ولی از آنجایی که اطلاعات و محتویات دائرة المعارفها معمولاً حرف آخر و درست تلقی می‌شود و خوانندگان در پذیرفتن آن کمتر تردید دارند، و از سویی با خبر شدم که دائرة المعارف بزرگ اسلامی ویرایش دوم می‌شود، صلاح دیدم که یادداشتهای خود را منتشر کنم تا مگر مدیران علمی در آنها تأمل و تعمق کنند و اگر مقبول طبع آنان افتد، در بهسازی مقالات مجلدات بعدی تأثیرگذار باشد.

قبل از پرداختن به جزئیات جلد به جلد هر دو دائرة المعارف، به چند مورد کلی اشاره می‌کنم:

۱. مسأله چشمگیر ضبط نادرست اعلام شبه قاره است. غالب مترجمان ایرانی در حین برگردان اسامی شبه قاره از حروف لاتین به حروف فارسی دچار خطا شده‌اند. این خطا ناشی از اختلافهایی در ضوابط آوانگاری (Transliteration) شبه قاره و ایران است. نبودن آگاهی کافی مترجمان ایرانی از صداهای مخصوص الفبای اردو / هندی و تطبیق دادن نظام آوانگاری ایران را با نظام شبه قاره موجب خطا می‌شود. چند نکته به یاد داشتنی از نظام آوانگاری شبه قاره به شرح زیر است:

الف: برای صداهای ثقیل نظام آوانگاری شبه قاره بدین ترتیب است: $bh = \text{په} = \text{ph}$; $th = \text{ته}$; $dh = \text{ده}$; $dh = \text{ده}$; $rh = \text{ره}$; یا $dh = \text{که}$; $kh = \text{گه}$; $gh = \text{از طرفی چون آوانگاری حروف ت th با ته و ه، خ kh با که، غ gh با گه مشابه است. مترجمان ایرانی را دچار خلط و خطا می‌کند.}$

ب: برای فتحه (ـَ) و الف ممدوده و الف و «ه» معمولاً از یک آوا یعنی «a» استفاده می‌شود که در برگردان فارسی عدم تمییز آنها از یکدیگر موجب اشتباه شده است. گاهی فتحه به الف تبدیل شده است. مثال: پتیااله <Patial> پاتیاالا، و گاهی الف به فتحه گرفته شده است. مثال: مدراس <Madras> مدرس - البته گاهی در نظام دقیق آوانگاری شبه

قاره برای تمییز الف / الف ممدوده از فتحه، از آوانگاری a/a/a استفاده می‌شود.
 ج: برای کسره (یا) از «e» استفاده می‌شود که در برگردان فارسی گاهی به «ی» تبدیل شده است. مثال: پشاور <Peshawar> پیشاور.

د: برای ضمه (ئ) از آوای «U» استفاده می‌شود که مترجمان ایرانی آن را با «و» خلط کرده‌اند. مثلاً: مُلتان <Multan> مولتان.

۲. مقالات جغرافیایی که از دیگر دائرة المعارفها ترجمه شده است؛ آمار آنها کهنه است.

۳. تحقیقات نوین - اعم از کتاب و مقاله - که در حوزه مطالعات شبه قاره در شبه قاره و غرب انجام می‌گیرد، معمولاً از دسترس مؤلفان ایرانی و مراکز دائرة المعارف دور بوده و ناچار در مقالات از منابع فرعی و موجود در کشور استفاده شده است.

۴. هر سراینده ستایشگر اهل بیت و امامان، و هر مؤلفی که به موضوعات ادبی فارسی و فلسفه ایرانی می‌پردازد لزوماً شیعه مذهب و تابع فرهنگ ایرانی نیست. چنان که در دائرة المعارفهای اسلام ایرانی تلقی شده است. علمای اهل سنت و عارفان سنی مذهب شبه قاره در هر حال به اهل بیت و امامان و امام زادگان به دیده احترام می‌نگرند. حضور هزار ساله فارسی در شبه قاره و تتبعات و تحقیقات مؤلفان آن سامان برای شبه قاره یک هویت فرهنگی به وجود آورده است که از آن خودش است و نمی‌توان آن را به حساب ایران آورد.

۵. شرکت نسل جوان تحصیل کرده ایرانی در تألیف دائرة المعارفها آشکار است و حضور استادان دانشگاه و نسل گذشته یا بزرگسال ایران از طریق قلم / تألیف مقاله کمتر محسوس است. میدان دادن به جوانان اجتناب‌ناپذیر است، اما برخی از موضوعات مقتضی به مطالعات ممتد و یک نویسنده متخصص - حتی خارج از کشور - است تا روح موضوع در کالبد مقاله دمیده شود.

۶. بیشتر یادداشتهایم درباره مقالات شبه قاره و به مسایل ویرایشی و ضبط اعلام مربوط می‌شود و به محتویات مقالات کمتر تعرضی داشتیم. اگر گاهی به مقالات خارج از حوزه شبه قاره پرداخته و سخنی به میان آمده است، بنا بر علاقه‌ای است که به آن موضوع دارم، و اگر گاهی به مسایل بسیار خرد و ریز پرداخته‌ام، بنا بر آن باور است که دائرة المعارفها باید از هر لحاظ از خطاها خالی باشند، که البته در کارهای انسانی چنین امکان وجود ندارد.

۷. ممکن است خوانندگان عزیز یا مسؤولان محترم مراکز دائرة المعارف نویسی فکر کنند که اگر مسؤولیت امور شبه قاره را من بنده به عهده داشتیم، پس این همه اشکالات چرا؟ جوابش این است که اولاً بیشتر ایرادات متعلق به ادواری است که من در آن مراکز نبوده‌ام، ثانیاً مسؤولیت من در حوزه ادبیات شبه قاره بود و نه دیگر موضوعات.

الف - دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱ - ۵

ج ۲ (مدخل، صفحه / ستون)

بایزید دوری، کاتب الملک: ۱/۱۹۱، مأخذ نمونه دستخط بایزید دوری «د.ا.د. ترک» نشان داده شده است. مأخذ اصلی آن مقالات مولوی محمد شفیع است، چنانکه در متن مقاله هم آمده است.

بایسنغری، جعفر: ۲/۲۵۰، مأخذ نمونه دستخط جعفر «د.ا.د. ترک» نشان داده شده است، مأخذ اصلی آن اطلس خط است.

بتاله: ۲/۲۲۳، ضبط «امریتسر» نادرست و «امرتسر» درست است؛ ۱/۲۲۴، ضبط‌های «هوشارپور» و «جالاندر» ولودیانا و آمریتسار در نقشه بتاله به ترتیب هوشیار پور، جالندهر، لدهیانه و امرتسر صحیح است.

بختاور خان، محمد: ۱/۳۹۳، جمله «به گفته آفتاب، اصغر (کذا: آفتاب اصغر) بختاور خان آن را به فارسی برگرداند» حذف شود و به جای آن اضافه شود: «به ایمای بختاور انتخاب تاریخ الفی به سال ۱۰۸۴ ه و انتخاب روضه الاحباب جمال الدین محدث شیرازی، به سال ۱۰۸۷ ه تهیه شد (بختاور خان، ج ۲، ص ۵۱۷)».

بدخشانی نقشبندی، محمد ابراهیم: ۱/۴۷۵، «از مثنوی او بانام احسن القصص یاد شده (اته، ص ۵۳، حاشیه)» این مقرون به صواب نیست. رضا زاده شفق برعکس آن نوشته است: «احسن القصص مذکور در متن را ندیدم ولی در کتابخانه حاج حسین آقا ملک در تهران، به شماره ۴۸۲۵ یک منظومه یوسف و زلیخا به نام احسن القصص موجود است که.... ناظم آن ظاهراً خاوری نام داشته چنانکه در خاتمه کتاب گوید.....»

بدیع الدین قطب المدار: ۱/۵۵۳، در منابع ضبط «خزینة الاولیاء» خطا و «خزینة الاصفیاء» صواب است.

براون: ۶۰۶، در نقشه برار ضبط‌های «احمد نگار» و «بجاپور» خطا و به ترتیب «احمدنگر» و «بیجاپور» صواب است؛

در حاشیه «Meharashtra Road Atlas» خطا و ... Road ... صواب است. این اشتباه در منابع نیز تکرار شده است.

ج ۳

برهان الدین قطب عالم: ۲/۲۸۷، در منابع «تحفة الاکرام» خطا و «تحفة الکرام» صواب است.

بریلی: ۳۶۶ - ۳۶۵، ضبط‌های «رهیل کهند»، «رهیله» و «مهرته» به ترتیب به روهیل کهند، روهیله و مرهته اصلاح شود. در نقشه موقعیت بریلی ضبط «نیتبنال» و «بودان» به ترتیب «نینی تال» و «بداون» درست است.

بسظامی سمرقندی: ۲/۳۷۸، در منابع تبدیل «کتابخانه آصفیه... مرتبه میر عثمان علی خان بهادر» به «کتابخانه آصفیه... مرتبه به عهد میر عثمان علی خان بهادر» آن را مقرون به صواب می‌کند.

بشنداس: ۱/۶۶۴، در تیتیر تصویر ضبط «بشانداس» مطابق با عنوان مدخل نیست صوابش «بشنداس» است.

ج ۴

بلگرامی، عبدالجلیل: ۱/۹۲، ضبط «طوبی» سهو چاپی و «طوبی» (به مفهوم عروسی / شادی) درست است؛ در جمله «میرحیدر متخلص به امیر بلگرامی که شاید همان امیر حیدر بن نور حسین... باشد» اظهار تشکیک منتفی است، او قطعاً همان امیر حیدر است.

در فهرست آثار او جواهر القلم (واژه‌نامه فارسی - ترکی) را باید اضافه نمود.

بلوچ و بلوچستان: ۱۲۴، در نقشه بلوچستان ضبط‌های «سیبی» و «شیکاپور» به ترتیب به «سبی» و «شکارپور» اصلاح شود.

بنارس: ۱/۲۳۴، ضبط «خلیل علی ابراهیم خان» به «علی ابراهیم خان خلیل» تبدیل شود.

بنگش: ۱/۳۴۸، در نقشه ضبط «نوشهر» و «بنو» اشتباه «نوشهره» و «بنون» (نون بدون نقطه) صواب است.

بنگله دش: ۲/۳۵۰، در نقشه ضبط «رانگ پور» و «خولنا» به ترتیب به «رنگ پور» و «کهلنا» اصلاح شود.

بهاولپور: ۷۳۲، اطلاعات مقاله کهنه و ناقص است. این شهر دانشگاهی به نام

«جامعه اسلامی بهاولپور» دارد که گروه زبان و ادب فارسی نیز در آنجا فعال است. در شهر کتابخانه مرکزی Central Library از روزگار حاکمیت بریتانیا دایر است که هم از لحاظ تفایس کتب چاپی و خطی و تصاویر تاریخی و روزنامه‌های قدیم و هم از لحاظ تعداد موجودی دومین و بزرگترین کتابخانه نیمه دولتی پنجاب است. در عهد نوابان این شهر به خاطر پیشرفت و توسعه و امکانات به «بغداد جدید» شهره شده بود.

بهروج: ۱/۸۰۶، «بهروج (بهرایج)»، بهروج را با بهرایج قیاس کردن خطاست زیرا بهرایج محلی است در اترپردیش.

بهروجی: ۱/۸۰۷، ضبط «خمیهات» خطا و «کهمبات» درست است. این اسم در مدخل «بهره» (ص ۸۱۱ - ۸۱۰) به گونه‌های «خامیایت (خامیهات)» ضبط شده که هر دو نادرست است.

ج ۵

بهنداری، سوجان رای: ۲/۵، ضبط «پاتیالا» را باید به «پتیاله» تبدیل کرد ۶/، در منابع «فارسی ادب بی عهد اورنگ زیب» خطا و «فارسی ادب بعهد...» صواب است. جهت اطلاع می‌نویسم که نام کامل مؤلف مقاله نورالحسن انصاری است.

یهوپال: ۹ و ۱۱، ضبط «گوالپور» خطا و «گوالیار» درست است؛ در سراسر مقاله «بگم» ضبط شده است که صوابش «بیگم» است چنانچه در دانشنامه ذیل مدخل «بیگ» و «بیگم» نشان داده شده است.

بهیره: ۱۳، اطلاعات آن کهنه است. بعضی اطلاعات که با اسلام و فارسی مناسبتی دارد، در مقاله ملحوظ نشده است. مثلاً عارف معروف سلسله قادریه شاد ابوالمعالی اصلش از آنجا بود چنانکه دارا شکوه در سکینه الاولیاء آورده است؛ شهید بهیروی سراینده فارسی در قرن ۱۲ هـ از آنجا بوده است. دو حوزه علمی در آنجا نعال است: یکی به نام دارالعلوم عزیزیه (تأسیس ۱۲۵۸ هـ / ۱۸۶۲ م) و دیگری دارالعلوم محمدیه غوثیه (تأسیس ۱۳۴۴ هـ / ۱۹۲۵ م)، خانواده بگویه از دیر باز در بهیره به اسلام خدماتی انجام می‌دهد، علاوه بر مدیریت دارالعلوم عزیزیه، مجلس حزب الانصار (تأسیس ۱۳۴۷ هـ / ۱۹۲۹ م) و مجله شمس الاسلام به اردو (تأسیس ۱۳۴۷ هـ / ۱۹۲۹ م) متعلق به این خانواده است. وقتی انگلیسها در ۱۲۷۲ / ۱۸۵۶ پادشاهی مسجد لاهور را به مسلمانان واگذاشتند، قاضی احمد الدین بگوی پیش نماز مسجد تعیین شد. پیر محمد کرم شاه بهیروی مؤلف تفسیر ضیاء القرآن و سیره ضیاء النبی به اردو

از شخصیت‌های مهم معاصر است.

بیجاپور: ۱/۱۱۳، در منابع ضبط «محمد غوری» خطا و محمد غوثی صواب است؛ ۲/۱۱۳ در تیترا تصویر ضبط «گل گنبد» خطا و «گول گنبد» (گول در اردو معنی گرد / مدور) صواب است.

بی خبر بلگرامی: ۱/۱۲۲، ضبط «بندریں داس» خطا و «بندرابین داس» صواب است، این خطا در حین ویرایش چندین مقاله راه یافته است. گفتنی است که «بندرابین» یک اسم هندی است و در آن اعلان بنوت نیست چنانکه ویراستاران گمان می‌کنند همین خطا در ص ۷۸۵ و ۷۸۷ نیز تکرار شده است.

بیخود: ۱/۱۲۲، ضبط «ستیل» سهو چاپی و «سیتل» (تقدیم یاء بر تاء) درست است.

بیدل سندی: ۱/۱۲۲، «مزارش نزدیک ایستگاه سند پاکستان است» ترکیب «ایستگاه سند» مفهومی ندارد. سند نام استانی است و در پاکستان ایستگاه سند وجود ندارد.

بیرام خان: ۱/۱۴۱ ضبط «بیرم خان» صوابتر است.

۲/۱۴۱، ضبط «جلندهر» بدور از اصل و «جاندهر» مقرون به صواب است، دیوان ترکی و فارسی بیرم خان به کوشش حسام الدین راشدی و محمد صابر در یک مجلد در کراچی، ۱۹۷۱ م چاپ شده است.

۱/۱۴۲، «غلام علی شیرین» سهو چاپی و «غلام علی شیرین...» صحیح است.

پادشاهی مسجد: ۲/۳۶۴، جمله «تقلیدی از مسجد جمعه شاهجهان آباد دهلی است» اضافه ویراستار دانشنامه است و از آن من که نویسنده مقاله ام نیست. این عبارت بدین شکل درست تر است: تقلیدی از مسجد جامع در دهلی است.»

پارسا، ابونصر: ۱/۳۸۷، ارجاع به «پارسائیه» انطباق است.

پارسا، خواجه محمد: ۱/۳۸۸، «انیس الطالبین و عدة السالکین منظومه‌ای است فارسی در شرح مقامات بهاء الدین نقشبند در چهار قسم و ۲۶۰۰ بیت» انتساب آن به پارسا خطاست، کتاب مذکور تألیف صلاح بن مبارک بخاری است در چهار قسم (چاپ توفیق هسبحانی، به تصحیح و مقدمه دکتر خلیل ابراهیم صاری اوغلی، تهران، ۱۳۷۱ ش) قدما در معرفی کتب به جای تعداد سطور از کلمه «بیت» استفاده می‌کردند که امروز موجب اشتباه می‌شود و کتابهای منثور، منظوم تلقی می‌شود.

پاکستان: ۲/۴۴۵، «درّه اسماعیل خان» خطا و «دیره / دیره اسماعیل خان» صواب است؛ «پنج گروه عمده قومی در پاکستان وجود دارد» این گروهها بیشتر «زبانی» است تا «قومی» در این جا «قوم» از روی علم الانساب مصداق پیدا نمی‌کند؛

۱/۴۴۶، ضبط «سیرائیکی» به «سرائیکی» اصلاح شود؛

«زبانی که بین مردم مشترک باشد وجود ندارد» این پندار از روی ناآگاهی است. زبان اردو زبان مشترک مردم پاکستان است و در هر نقطه کشور زبان رابط و قابل فهم است و نه تنها در پاکستان بل که در سراسر شبه قاره هند و پاکستان و بنگلادش زبان اردو، زبان مشترک و وسیله ارتباط است؛

۲/۴۴۷، تیتیر تصویر «عسگرخان» ناصواب و «اصغر خان» صواب است.

۲/۴۴۹ «چودری به عنوان رئیس جمهور و رئیس دولت در قدرت ماند» در این جمله واضح نیست که اشاره به کدام «چودری» دارد. شاید منظور مؤلف فضل الهی چودری است، اما او هیچ قدرت نداشت و یکی از ضعیف‌ترین رئیس‌جمهورهای دولت بوتو و رژیم ضیاء الحق بود که آخرش استعفا داد.

۱/۴۵۴، در تیتیر تصویر ضبط «چوخندي» خطا و «چوکهندي» صواب است.

۱/۴۵۵، «مسجد محبت خان در پشاور» خطا و «مسجد مهابت خان...» صواب است؛ «باری امام» خطا و «بری امام» درست است؛

۲/۴۵۵، ضبط «کورتا» همان کرته / قرطه است.

۱/۴۵۶، «در پاکستان حدود ۲۵ دانشگاه... وجود دارد» این آمار کهنه است. در پاکستان ۴۳ دانشگاه وجود دارد. ضمناً ضبط سالهای تأسیس دانشگاه کراچی و دانشگاه کشاورزی فیصل آباد نیز اشتباه است، هر دو دانشگاه پس از استقلال پاکستان به وجود آمده است.

به طور کلی مدخل «پاکستان» از لحاظ محتویات و اطلاعات و دیدگاهها یکی از مقاله‌های ضعیف دانشنامه است. منابع فارسی آن دست سوم و از نوع گزارشات و مطبوعات روز است؛ پاکستان به خاطر همسایه بودن با ایران و مهد قدیم اسلام و مرکز کهن زبان و ادبیات فارسی به تألیف مقاله‌ای جاندار نیاز داشت.

پالن پور: ۲/۴۶۰ ضبط‌های «کوچ» و «اودایپور» خطا و «کچه / کج» و «اودهیپور» صواب است.

پتنی، محمد طاهر: ۲/۵۱۱، در فهرست آثار او به کتابهای فارسی اش اصلاً اشاره

نشده است، مثلاً تحفة الولاة و نصيحة الرعية و الرعاة که به کوشش محمد سلیم اختر در مجله کتاب شناسی، شماره ۱، اسلام آباد، ۱۹۸۶ م چاپ شده است.

پرچین کاری: ۴۵۰ - ۴۴۹، «مسجد ارهائی دین کاجونیرا در اجمیر (۵۹۵)» و «مسجد ارهاء الدین کاجونیرا در اجمیر (۶۰۷ - ۶۳)» در مدخل «پیش طاق»، ص ۵۹۱ ضبط مختلف را با تاریخهای مختلف نشان می دهد. ضبط درست مطابق با تلفظ محلی «ارهائی دن کاجونیرا (کلبه دو و نیم روزه)» است؛

۱/۵۵۱، ضبط «خاکا» و «جایپور» به «خاکه» و «جیپور» اصلاح شود؛

۲/۵۵۱، ضبط «غسنا» خطا و «گهسنا» صواب است.

پرگنه: ۱/۵۶۳، «سرام» خطا و «سهرام» صواب است.

پرویز، غلام احمد: ۱/۵۷۹، معادل سال میلادی وفات اقبال لاهوری ۱۹۳۸ صحیح است.

پریم چند: ۲/۶۰۵، «قلم کاسپاهی» خطا و «قلم کاسپاهی» درست است.

یل: ۱/۶۸۱، در تیتیر تصویر معادل سال میلادی ۱۵۶۹ درست است.

پنجاب: ۲/۷۳۷، ضبط های «دیر جات» و «ملکنند» خطا و «دیره جات» و «مالا کند» صواب است.

۱/۷۳۹ - ۲، ضبط های «هارینا» و «هیما ال» و «اکالی دال» به ترتیب به «هریانه» و «هیما چل» و «اکالی دل» تصحیح شود.

پنجایی: ۷۴۲ - ۷۴۰، در طول مقاله آوای که = kh به «خ» گرفته شده، چنانکه خریبولی، گورمومی، سیخ که به ترتیب ضبط های درست کهری بولی، گورمکھی و سکه / سیک است؛

۲/۷۴۰، «ح - م - شیرانی» همان حافظ محمود شیرانی است؛

۲/۷۴۱، ضبط «بله شاه» باید به «بلهی شاه» تبدیل شود چنانکه دانشنامه مدخلی نیز با همین ضبط دارد؛

۲/۷۴۱، «بنت» baint شاید بینت / بیت درست است.

پندنامه عطار: ۱/۷۶۷ سطر ۶ «محمد کلدی» خطا و «محمد گلهوی» درست است چنانکه در سطر ۹ آمده است.

پندوه: ۱/۷۶۸ «خ - الف - نظامی» همان خلیق احمد نظامی است. این نکته را بدین خاطر ثبت کرده ام که در نوشته های مؤلفان شرقی در قیاس با غرب کمتر رسمی

است که از اجزای نام مخفف بسازند. گاهی تبدیل مخفف از لاتین به حروف عربی / فارسی / اردو خالی از اشکالی نیست. مثلاً اگر مخفف «عابد علی» به حروف لاتین A.A باشد لابد به حروف فارسی «الف - الف» تبدیل می‌شود که مطابقت با واقعیت (ع - ع) ندارد، إلا آنکه بسیار دقیق A,A نوشته شود.

پیشاور: ۹۳۸، ضبط رایج و معمول در ایران به همین شکل است که ظاهراً از آوانگاری لاتین Peshawar مأخوذ است و در برگردان «e» را به جای «ی» گرفته‌اند. ضبط معمول در پاکستان و به اردو «پشاور» است. چون «پ» کسره دارد به لاتین Pe می‌نویسند. طرفه این که در مدخل پیش طاق، ۲/۹۵۱ Begampur به «بگمپور» برگردانده شده که بایستی «بیگم پور» ضبط می‌شد.

پیش طاق: ۱/۹۵۲، ضبط «جانپور» به «جونپور» اصلاح شود؛ ۱/۹۵۲ «نیل کنت» خطا و «نیل کتھ / کنتھ» صواب است؛ «سکندرا» خطا و «سکندره» درست است.

ب) دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱ - ۹

جلد ۱

آب حیات: ۲/۳۹، دو کتاب مجهول الهویة چاپ هند ضبط گردیده است که بایستة ضبط در یک دائرة المعارف اسلام نیست. اگر معیار ضبط مدخل بنا بر اهمیت آن است، تعیین ارزش کتابهای مجهول از چه راهی ممکن است؟ باری «آب حیات در قوۃ باه» ممکن است همان آب زندگانی ترجمه رجوع الشیخ الی صباه چاپ بمبئی باشد (نک: الذریعه، ۳/۱ - ۲) حداقل شش کتاب با عنوان آب حیات فقط در علوم دینی به زبان اردو تألیف گردیده است (نک: قاموس الکتب، چاپ کراچی، ۱/۱۹، ۲۷۶، ۴۵۷، ۵۳۴، ۶۰۰، ۱۱۳۴).

آب زلال: ۲/۴۲، ضبط «گوهر شاهوار» (مطابق با الذریعه) درست و «گوهرشاد» خطاست.

آتش لکهنوی: ۲/۱۰۰، خواجه عبیدالله احرار نقشبندی (سده ۹۹ هـ / ۱۵ م)، تاریخ دقیق تولد و وفات او ۸۰۶ - ۸۹۵ هـ / ۱۴۰۴ - ۱۴۹۰ م در پراتنز آوردن انسب بود؛ «به گفته نواب خان» ناقص و «به گفته نواب مصطفی خان» درست است؛ در منابع «مصحفی، شیخ غلام» ضبط ناقص و «مصحفی شیخ غلام همدانی» درست است.

آداب البحث: ۱/۱۵۹ «اسیری از مردم کویته پاکستان که خود را در یک بیت چنین

شناسانده است.

مقیم کویته‌ی فقر و فقیری فقیر ناتوان یعنی اسیری»

در نسخه خطی «مقیم گوشه فقر و فقیری» است، ولی چون در فهرست گنج بخش (پاکستان) «کویته» خوانده شده و نسبت مکانی سراینده کویته تعیین شده که هر دو مورد خطاست، از آنجا این خطا در مقاله هم راه پیدا کرده است. مؤلف توجه نداشته که اصلاً کلمه «کویته» وزن شعر را مختل می‌کند و مصراع مفهوم ندارد.

آداب الصلوة: ۲/۱۶۳، «تاریخ فراغت از سرودن آن ۱۵ جمادی الاول ۶۹۳ ق... است» این تاریخ هجری قمری نیست بلکه تاریخ وفات نبوی است، چنانکه سراینده آداب الصلوة می‌گوید:

نود و سه برفت و ششصد سال

نیمه‌ای از جمادی الاول

از وفات رسول تا امسال

بود کاین نظم گشت مستکمل

(خاتمه آداب الصلوة)

و این تاریخ مطابق است با ۷۰۴ هجری قمری

آرزو، سراج الدین علی خان: ۲/۲۹۵، «غریب اللغات یا تصحیح غرایب... تألیف عبدالواسع هانسوی» خطاست و «نوادر الالفاظ یا تصحیح غرایب... تألیف عبدالواسع هانسوی» صواب است. مؤلف مقاله تصحیح غرایب اللغات را و نوادر الالفاظ را دو کتاب جداگانه به حساب آورده است که درست نیست؛

۲/۲۹۶، «بهادر، صدیق حسن خان» بهادر را اسم اشهر تلقی کردن خطا است، نام او صدیق حسن و خطاب او خان بهادر است، قاعده باید زیر صدیق حسن ضبط شود؛ «بهگوان، داس هندی» بهگوان و داس دو جزء از یک نام نیست بلکه ترکیب اسم بهگوان داس است متخلص به هندی؛

«بندار بن داس» خطا و بندرابن داس درست است. این خطا مکرر در دائرة المعارف اعاده شده است چنانکه در بخش اول مقاله گفته‌ایم «بن» اعلان بنوت نیست بلکه جزیی از نام هندی است.

آزاد بلگرامی: ۲/۵۰۰۳۱۸، «آزاد به زبانهای فارسی، عربی و اردو آثار فراوان به نظم و نثر دارد» او به اردو هیچ اثری ندارد و خود در سرو آزاد، ۳۵۱، سبحة المرجان، ۶۸/۱ تأکید دارد که به اردو (هندوی) شعری نسروده است، همچنین هیچ اثر منشور او به اردو به وجود نیامده است.

آزرده دهلوی: ۲/۳۲۷، «حقایق الحنفیه» خطا و «حدایق الحنفیه» صواب است؛ «محمد قاسم نانوتولی» خطا و «محمد قاسم نانوتوی» صواب است؛ ۲/۳۲۷، «لالاسری» خطا و «لاله سری رام» یا «لالاسری رام» صواب است. ۱/۳۲۸ «قنوجی» نادرست و «قنوجی» درست است؛ محل طبع شمع انجمن شاه جهان آباد اشتباه و «مطبع شاهجهانی، بهوپال» صحیح است. **آصف خان، ابوالحسن:** ۱/۴۲۰، «گنبو» خطا و «کنبو» صواب است. **آغا حشر کشمیری:** ۱/۴۳۹، «قبرستان میان صاحب» را باید به «قبرستان میانی صاحب» تصحیح کرد.

آفتاب دهلوی: ۲/۴۴۸، «قصه شاه شجاع الشمس که اکنون نایاب است» این کتاب به نام عجایب القصص به اهتمام راحت‌افزار بخاری در ۱۹۶۵ م در لاهور به چاپ رسیده است و نایاب نیست.

آفرین لاهوری: ۱/۴۴۹، «ظاهراً به خاندانی شیعی از قبیله گجر متعلق بود» مأخذ این خبر ظاهراً تذکره شمع انجمن است. عبارت شمع انجمن بدین الفاظ است: «اصلش از قبیله جویه شعبه قوم گوجر است» مؤلف مقاله کلمه شعبه را «شیعه» خوانده و آفرین را شیعه ساخته است. آفرین از اهل سنت بود و در دیوان او قصایدی در مدح خلفای راشدین موجود است؛

«آفرین با مأموران محلی مغولان... آشنایی و معاشرت داشت» قضیه برعکس است او با معاشرت و رفتن پیش امرا با داشت. چنانکه دوست و معاصر او حاکم لاهوری در تذکره مردم دیده، ص ۲۰ شهادت داده است؛

«هیرورنجه» خطا و «هیرورنجه» صواب است؛ مؤلف مقاله پس از بر شمردن آثار منظوم آفرین می‌نویسد: «مجموعاً تحت عنوان کلیات آفرین لاهوری در ۱۳۸۶ هـ چاپ شد که فقط غزلیات او را در برمی‌دارد، قرار بود در جلد دوم قصاید و مثنویات او چاپ شود که تاکنون چاپ نشده است. شاید ذکر این نکته مفید باشد که مثنوی هیرورنجه‌های آفرین مستقلاً در ۱۳۱۹ هـ ق در امرتسر چاپ سنگی شده است،

آگره: ۲/۵۳۱، «باره سیدی (یازده پله)» خطا و «باره شیرهی (دوازده پله)» صواب است»

ج ۲

آفندرام: ۱/۲۳۷، «به کوشش محمد شریف» «اشتباه» و به کوشش محمد شفیع

درست است. ۲/۲۳۷ «بند بن داس» و «کوپاموی» خطا و «بندرابن داس» و «کوپاموی» صواب است.

ابدال چشتی: ۱/۳۸۹، «چشتی، شاه الهدایة» خطا و «...اللّه ديه» صواب است.
۲/۷۳۴ در فهرست اختصارات منابع «پاکستان، خطی فارسی = عباسی نوشاهی، عارف» کلمه «عباسی» زائد است و جزو اسم روی جلد نیست.
جلد ۴:

ابوسعید گورکان: ۲/۵۵۵، «خواجه عبیدالله احرار سر سلسله طریقت خواجهگان و نقشبندیان» خواجه احرار سر سلسله طریقت خواجهگان و نقشبندیان نیست. طریقت خواجهگان طریقه و سلوکی است که خواجه یوسف همدانی (۴۴۰ - ۵۳۵ هـ) و خواجه عبدالخالق غجدوانی (متوفی ۵۷۵ هـ) بنیاد نهاده بودند و طریقت نقشبندیان ادامه همان طریقت خواجهگان است با احیاء و اصلاح به وسیله خواجه بهاءالدین محمد نقشبند بخارایی (۷۱۷ - ۷۹۱ هـ) - (نک: احمد طاهری عراقی، مقدمه قدسیه خواجه محمد بن محمد پارسای بخارایی. تهران. ۱۳۵۴ ش، ص ۱۰) خواجه احرار را می توانیم سر سلسله احرار به قلمداد کنیم.

ابوطالب خان: ۲/۶۲۷، «تفصیح الغافلین... در ۱۳۴۳ در دهلی منتشر شد.» با سال انتشار هیچ علامت قمری یا شمسی قید نشده است. در چاپهای هند معمولاً سال میلادی یا هجری قمری قید می شود. سالی که روی جلد چاپ شده ۱۹۶۵ م است که معادل است با ۴۴ - ۱۳۴۳ هجری شمسی و ۸۵ - ۱۳۸۴ هجری قمری.

ابوطاهر ملتانی: این مدخل تألیف راقم این سطور است، اما در دائرة المعارف به نام «بخش فقه علوم قرآنی و حدیث» چاپ شده است.
۱/۶۲۹ عبارت «بسیاری از این کتب امروزه در دست نباشد» تکراری است.

ج ۶:
ابوالقاسم محمد اسلم: ۱/۱۷۷، دوبار ضبط «اَوْد» با ذال معجمه کاملاً خطایی است که از راه آوانگاری لاتین oudh پیدا شده است و مؤلف مقاله dh را معادل ذال منقوط گرفته است. ضبط درست به فارسی اَوْد / اَوْد است.

در معرفی تنها اثر او گوهر نامه عالم آمده «از مؤلف واقعات کشمیر یعنی خواجه محمد اعظم دیده مری با عنوان غفران پناه یاد می کند که نشان می دهد نگارش گوهر نامه پس از مرگ خواجه یعنی پس از ۱۱۷۹ هـ صورت پذیرفته است» و در ادامه مقاله آمده

«ابوالقاسم... حوادث کشمیر را... به ۱۲۰۰ ق رسانده است» پس آوردن سند وفات دیده مری بی مورد است، زیرا مشخص است که تاریخ تألیف آن ۱۲۰۰ ه یا بعد از آن بوده است.

۲/۱۷۷، در فهرست منابع ضبط «علی صاحب» ناصواب و «رحمان علی» صواب است.

ابونصر پارسا: این مقاله تألیف نویسنده این سطور است. در ۱/۳۱۷، ۲/۳۱۷ و ۱/۳۱۸ نام «محمد قاضی» سهواً «محمد القاص» چاپ شده است.

در منابع عبارت «ملفوظات خواجه عیدالله منسوب به عبدالاول نیشابوری» خطا و «ملفوظات خواجه عیدالله گرد آورده عبدالاول...» درست است.

اتاوه: ۱/۵۱۶، ضبط «جوان پور» خطا و «جون پور» صواب است؛ در فهرست منابع ضبط «متغلقین» با نام عبدالرحیم بی معناست.

اتک: ۲/۵۶۱، «این ناحیه را اخیراً کمپیل پور نامیده‌اند» این خبر کهنه است، زیرا دولت پاکستان نام اصلیش «اتک» را به آن برگردانده است. ضمناً آمار جمعیت آن نیز کهنه شده است و با سال چاپ مقاله (۱۹۹۴ م) مطابقت ندارد.

اجین: ۲/۶۳۷، ضبط «جای سینگه» خطا و «جی سینگه» درست است.

احران: این مقاله از نگاهشته‌های بنده است. در حین چاپ یا ویرایش در مرکز اشتباهی در آن وارد شده است. در ۱/۶۵۴ «دانشگاه سلیمانیه استنبول» را باید «جامع سلیمانیه...» نوشت.

احمد آباد: ۲/۶۹۱ «بارُدا» مطابق با املای متون نیست، «بُروده» درست است؛

۱/۶۲۹۲ «شیخ احمد کنتو یا کهنو» خطا و «شیخ احمد کهنو» صواب است.

ج ۷:

احمد رای بریلوی: ۴۱ - ۴۳، وی یکی از شخصیت‌های مهم مسلمان شبه قاره و استقلال طلب منطقه بود. درباره او چندین کتاب و تحقیق در شبه قاره پدید آمده است. مثلاً سوانح احمدی تألیف محمد جعفر تھانیسری، چاپ پندی بهاء الدین، سیرت سید احمد شهید تألیف ابوالحسن علی ندوی میان، چاپ لکهنو، ۱۹۳۹ م؛ سید احمد شهید تألیف غلام رسول مهر، لاهور، ۱۹۵۲ م، هندوستان کی پھلی اسلامی تحریک تألیف مسعود عالم ندوی، چاپ؟ پندی، ۱۳۶۸ هـ. در تألیف مقاله از هیچ یکی از اینها استفاده نشده است.

احمد سرهندي: ۲/۴۸، مکرر «اگره» ضبط شده است، این ضبط مطابق با اصل و همچنین مطابق با ضبط مدخل در جلد اول نیست. ضبط «آگره» درست است.

احمد شاه بهادر: ۲/۶۲، ضبط «روهیل خند» خطا و «روهیل کهند» صواب است.

احمد عبدالحق رُڊولوی: ۱/۷۲، ضبط «ردولوی» را باید «ردولوی» ساخت، زیرا او منسوب به ردولی است.

اردو زبان: ۱/۵۴۴، «این تاثیر در غزل سرایی دو تن... شمس الدین ولی (۱۰۷۹-۱۱۵۹ ق)... و معاصر او سراج الدین علی خان آرزو آشکار است» به گمانم مؤلف مقاله در اینجا سراج الدین سراج اورنگ آبادی (۱۱۲۸-۱۱۷۷ ق) را با آرزو التباس کرده است، زیرا اورنگ آبادی است که در غزل سرایی اردو تحولی ایجاد کرد و آرزو نقشی ندارد. و آنگهی آرزو، دکنی نیست اکبر آبادی و شاهجهان آبادی است. اورنگ آباد در جنوب هند واقع است.

۲/۵۴۷. در ضبط برخی افعال اردو و مفهوم آنها به فارسی اشتباهاتی رخ داده است، مثلاً «آنکهن» خطا و آنکهن (بانون غنه در آخر) صواب است. مصدر «افطارنا» در اردو نیست، «افطار کرنا» است، مصدر «شرطنا» در اردو نیست؛ «بخششنا» شاید سهو چایی است و ضبط درست «بخشنا» است. «اچھی لرکی = پسران خوب» را بایستی «اچھے لوکی» ضبط کرد، زیرا ضبط «اچھی لرکی» = دختر خوب است و هم چنین سوندر لرکی = پسران زیبا را بایستی «سندرلرکی» می نوشت تا مفهوم پسران را دهد. گفتنی است که آوردن مثالهایی از کلمه «سوندر» در تأیید زبان اردو، مناسب نیست، زیرا این کلمه زبان هندی جزو متداولات اردو نیست «بینا حکم» خطا و «بنا حکم» صواب است. کاهل به معنی بزدل و ترسو ضبط شده که به معنی تنبل صوابتر است، ضبط «فی دین» کاملاً خطا و «فی دن» درست است؛ ضبط «چلباز» نیز اشتباه و «چال باز» درست است.

ج ۸:

اسلام (اسلام در شبه قاره هند و پاکستان): ۲/۵۸۰، «مرکز نسخه های فارسی در اسلام آباد» را باید «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» نوشت.

اسلام آباد: ۱/۵۹۰ «کتابخانه بزرگ داتا گنج بخش»، عنوان رسمی این «کتابخانه گنج بخش» است؛

«مقتدره قومی زبان» به فرهنگستان پاکستان ترجمه شده است که مفهوم را واضح

نمی‌کند، بایستی فرهنگستان زبان ملی یا فرهنگستان زبان اردو ترجمه می‌شد.

اسماعیل شهید: ۲/۶۷۰، ضبط «بلکوت» خطا و «بالاکوت» صواب است.

اشرف بیابانی: ۱/۳۲، «خالق باری اثر خسرو شاه» به تحقیق حافظ محمود

شیرانی در پنجاب مین اردو، خالق باری اثر ضیاء الدین خسرو است. هویت خسرو شاه اصلاً مجهول است.

اشرف جهانگیر: ۲/۳۲، «بخش بزرگی از این کتاب (لطائف اشرفی) عیناً از نفعات

الانس جامی نقل شده است» با توجه به اصالت لطایف چنانکه موضع محققان هندی است. این عبدالرحمان جامی بود که بخشی بزرگی از لطایف را عیناً در نفعات وارد کرده است. نک: نذیر احمد؛ و وحید اشرف، مقدمه لطایف اشرفی، چاپ هند.

اصفهان (ادب فارسی در اصفهان): ۱۹۲ - ۱۹۵، کتاب شعرای اصفهانی شبه قاره

تألیف ساجدالله تهیمی، چاپ اسلام آباد، ۱۹۹۴ م؛ در این موضوع شایسته ذکر است.

اصلاح طلبی / اصلاح طلبی در شبه قاره هند: ۲/۲۴۷، «جمعیت حمایت اسلام»؛

نام رسمی آن «انجمن حمایت اسلام» است.

اظفری گورکانی: ۱/۳۳۷ - ۲، مکرر ضبط «مدرس» خطا و «مدارس» صواب

است؛ ۱/۳۳۷، در ضمن معرفی فرهنگ او نکته گفتنی این است که او معروف اللغات |

فرهنگ اظفری به نثر دارد در ۲ بخش، بخش یکم فرهنگ فارسی به ترکی و بخش دوم

فرهنگ ترکی به فارسی، این فرهنگ کلان در ۴۲۳ صفحه است و نسخه خطی آن در

موزه ملی پاکستان، کراچی موجود است (نک: نوشاهی؛ موزه ملی، ص ۳۴۵)؛ اثر دیگر

او نصاب اظفری به نظم است که در رمضان ۱۲۰۸ هـ / ۱۷۹۴ سروده است. این واژه‌نامه

فارسی - ترکی است در صنعت مقلوب و نسخه خطی آن در انجمن ترقی اردو، کراچی

است: (نک: نوشاهی، انجمن، ۲۷۲).

اعتقاد خان: ۲/۳۵۵، «خوشگو، بندر» نام او به طور ناقص ضبط شده است نام

کامل او «خوشگو، بندرابن داس» است.

اعظم شاه: ۲/۳۹۱، «جای سینگ» را بایستی «جی...» نوشت.

اعظم گره: ۱/۳۹۲، «گها گهارا» را طبق آوانگاری لاتین Ghaghara باید «گها

گهرا» نوشت.

افسوس: ۲/۴۹۱، ضبط «سبحان رای بتالوی» اشتباه و سجان (Sujan)... درست

است.

اقبال لاهوری: ۲/۶۲۷، ضبط «اسد آباد» خطای چاپی و «الله آباد / اله آباد» درست است. در ضمن معرفی آثار اقبال آنجایی که مجموعه نامه‌های او ثبت شده است کلیات مکاتیب اقبال به کوشش مظفر حسین برنی، چاپ دهلی در ۴ جلد از قلم افتاده است که در واقع تمام مجموعه‌های متفرق نامه‌های اقبال را در بر می‌دارد، بعلاوه نامه‌هایی که در هیچ یک از مجموعه‌های مدون نیامده است.

اکبر شاه / اصلاح گری... و سیاست دینی اکبر شاه: محمد اسلم (مورخ پاکستانی) و خلیق احمد نظامی (مورخ هندی) کتابهای مهم تحقیقی در این موضوع تألیف کرده‌اند که در این مقاله مورد توجه قرار نگرفته است. کتاب نظامی غیر از کتابی است که در منابع مقاله ذکر شده است.



پی‌نوشت

۱ - هم‌اکنون جلد دهم منتشر شده و چنانکه انتظار می‌رفت، مدخلهای حرف «الف» در این جلد به پایان رسید و مدخلهای حرف «ب» آغاز شده است.